

رابطه زبان و تفکر و نقش آن در بیان مفاهیم تربیتی قرآن

کیانوش کیقبادی امیری^۱

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران

چکیده

در این پژوهش رابطه زبان و تفکر از سه منظر «نسبیت زبان»، «زبان اندیشه» و «رویکرد شناختی» بررسی و برای نمایاندن این ارتباط، رویکرد شناختی انتخاب شده است که ساختارهای زبان را منعکس‌کننده الگوی اندیشه و استعاره را ابزار اندیشه می‌شمارد. در این پژوهش توصیفی-تحلیلی، برای نشان دادن نقش این ارتباط در بیان مفاهیم تربیتی قرآن، ۲۱ استعاره تربیتی سوره بقره از نگاه شناختی بررسی شده‌اند تا مشخص شود که در این دیدگاه، استعاره چگونه می‌تواند الگویی برای بیان مفاهیم تربیتی باشد. برای درک حوزه‌های مقصد «گمراهی، ایمان، تظاهر، کفر، ارزش زن، انفاق، صدقه، نیت، منت، ریا، نعمت و دوری از طاغوت» که مفاهیم تربیتی انتزاعی هستند، از حوزه‌های مبدأ «تجارت بدون سود، آتش روشنایی بخش، نور از بین رونده، تاریکی، حیوان، کر، گنگ، کور، کشتزار، دانه، خاک، باغ، باران محصول‌آور، تندباد و گردباد نابودکننده، فرش و بنای افراشته و دستاویز محکم» استفاده شده است. در این استعاره‌ها مفاهیم تربیتی انتزاعی با کمک حوزه‌های ملموس زندگی انسان، بیان شده‌اند. «ایمان به خدا»، پرکاربردترین مفهوم تربیتی در حوزه‌های مقصد بوده است. الگوی این استعاره‌های تربیتی می‌تواند برای مؤلفان و مدرسان حوزه آموزش مفید باشد.

کلیدواژه‌ها: زبان، تفکر، تربیت، رویکرد شناختی، استعاره، قرآن.

¹ E-mail: kianoosh.kayghobadi@gmail.com

۱. مقدمه

رابطهٔ زبان^۱ و تفکر^۲ همواره مورد توجه بوده و از دیدگاه‌های مختلف به آن پرداخته شده است. در این پژوهش سه رویکرد نسبت زبان^۳، زبان اندیشه^۴ و رویکرد شناختی^۵ از نظر گذراننده می‌شوند و با توجه به آراء و نقدهای مطرح شده، رویکرد شناختی به زبان و معنی انتخاب می‌گردد که معتقد است زبان انعکاس ذهن است و ساختار زبان، ساختار فکر ما را منعکس می‌کند. پس از انتخاب رویکرد شناختی، به استعاره می‌پردازیم که یکی از مهمترین مباحث این رویکرد است. بررسی استعاره^۶ یکی از بنیادی‌ترین بخش‌های مطالعات شناختی است و استعاره در واقع الگو و راهی برای اندیشیدن در نظر گرفته می‌شود (راسخ‌مهند، ۱۳۹۳: ۶۰). برای ارائهٔ درس‌ها و مفاهیم تربیتی اسلام در قرآن، از ابزارهای زبانی از جمله استعاره‌ها استفاده شده است که با بررسی آنها می‌توان به الگوهای مناسب برای اندیشیدن به مفاهیم تربیتی و بیان آنها دست پیدا کرد. بنابراین در این پژوهش، پس از اتخاذ رویکرد شناختی و انتخاب ابزار استعاره، استعاره‌های تربیتی از سورهٔ بقره استخراج و تحلیل می‌گردند. سورهٔ بقره از این جهت انتخاب شده که با ۲۸۶ آیه طولانی‌ترین سورهٔ قرآن، اولین سورهٔ مدنی و دربرگیرندهٔ موضوعات عبادی، اجتماعی و اخلاقی است. با بررسی آیه‌های سورهٔ بقره، استعاره‌هایی که دارای موضوعات تربیتی هستند استخراج می‌شوند. ۲۱ استعارهٔ تربیتی با الگوی «الف، ب است» استخراج و به همراه حوزه‌های مقصد و مبدأ تحلیل می‌گردند. تحلیل این استعاره‌ها نشان می‌دهد که استعاره به عنوان ابزار و ویژگی اندیشه چگونه می‌تواند در بیان مفاهیم تربیتی که انتزاعی و یا کمتر ملموس هستند، به کار برود و الگویی برای درک، اندیشیدن و بیان مفاهیم تربیتی قرآن و آموزش آنها باشد. بنابراین پژوهش حاضر در پی رویکرد مناسب برای نمایاندن رابطهٔ زبان و تفکر است تا بتواند با استفاده از ابزار اندیشه در این رویکرد، شیوهٔ بیان و درک مفاهیم تربیتی قرآن را نشان دهد. به این منظور ابتدا در بخش دوم مقاله به آثار محققان ایرانی و غیرایرانی پرداخته می‌شود که استعاره‌های قرآن کریم را بررسی کرده‌اند. سپس در بخش چارچوب

¹ language

² thought

³ linguistic relativity

⁴ language of thought

⁵ cognitive approach

⁶ metaphor

نظری، به زبان و ارتباط آن با تفکر از نگاه سه رویکرد نسبیت زبان، زبان اندیشه و رویکرد شناختی و دلیل انتخاب رویکرد شناختی و ابزار استعاره در این رویکرد پرداخته می‌شود. در ادامه، پس از سخنی درباره مفهوم تربیت و تربیت در اسلام، در جستجوی مفاهیم تربیتی اسلام، طولانی‌ترین سوره قرآن و چگونگی استفاده از ابزار استعاره در بیان مفاهیم تربیتی در این سوره بررسی می‌شود. هر استعاره تربیتی با حوزه مبدأ^۱ و مقصد^۲ آن، در جدولی تحلیل می‌شود و در بخش آخر برای نتیجه‌گیری همه استعاره‌ها در یک جدول ارائه می‌گردند تا نتایج حاصل از تحلیل الگوهای بیان مفاهیم تربیتی، بهتر به تصویر کشیده شوند.

۲. پیشینه پژوهش

تحلیل شناختی استعاره را لیکاف^۳ و جانسون^۴ (۱۹۸۰) برای نخستین بار مطرح کردند. درک یک قلمرو مفهومی بر اساس قلمرو دیگر با صورت گرفتن نگاشت و تطبیق ویژگی‌های دو حوزه شناختی انجام می‌شود و استعاره در حقیقت کاری ذهنی و فعالیتی تعبیری است (قائم‌نیا، ۱۳۹۰: ۶۸). استعاره در معنای شناختی آن پلی برای درک مفاهیم انتزاعی است و این ابزار درک را می‌توان در بیان و درک مفاهیم انتزاعی تربیتی نیز استفاده کرد. در این پژوهش رویکرد شناختی و ابزار استعاره انتخاب شده است تا با استخراج الگوها، حوزه‌های مقصد و حوزه‌های مبدأ استعاره‌های تربیتی، بتوان به الگویی برای ارائه و درک مفاهیم تربیتی قرآن رسید. بنابراین در اینجا آثاری که با رویکرد شناختی به استعاره‌های قرآنی پرداخته‌اند و نزدیکی بیشتری به موضوع پژوهش حاضر دارند، در دو بخش پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی، از نظر گذرانده می‌شوند و در انتها موضوع استعاره‌های انتخاب شده و حوزه‌های مقصد و مبدأ و هدف استخراج این پژوهش‌ها با آنچه در تحقیق حاضر صورت گرفته مقایسه می‌شود.

¹ source domain

² target domain

³ Lakoff, G.

⁴ Johnson, M.

۲-۱. پژوهشگران ایرانی

در آثار پژوهشگران ایرانی که به بررسی زبان‌شناختی قرآن از منظر شناختی پرداخته‌اند، به طرح‌واره‌ها و استعاره‌های برخی آیات و سوره‌های قرآن پرداخته شده است. تفاوت پژوهش حاضر با این آثار در نوع حوزه‌های مقصد و مبدأ مورد بررسی یا آیات و سوره‌های انتخاب شده است. پژوهش حاضر در پی نحوه بیان «مفاهیم تربیتی» قرآن با کمک استعاره است. در حالیکه در بسیاری از پژوهش‌های پیشین، ابتدا نوع استعاره مشخص و سپس مفاهیم انتزاعی بیان شده با این نوع از استعاره‌ها بررسی شده‌اند. برای نمونه پوراابراهیم، گلفام، آفاگل‌زاده، کرد زعفرانلو کامبوزیا (۱۳۸۷) در مقاله‌ای به بررسی زبان‌شناختی استعاره‌جهتی بالا/پایین در نیمه اول قرآن از منظر معنی‌شناسی شناختی پرداخته‌اند. در این پژوهش عبارات استعاری قرآنی با کانون‌های استعاری «فوق»، «دون»، «علی»، «اعلی»، «هبط» و غیره بررسی شده‌اند تا نشان داده شود که مفاهیم انتزاعی قدرت، بیشتر، و بهتر در بالای یک خط عمودی و مفاهیمی چون ضعف، کمتر، و بدتر در پایین قرار دارند و اینکه حرکت جسمانی انسان، مبنای تجربی این استعاره‌ها است.

در بعضی پژوهش‌ها نیز محقق به دنبال نمودهای حوزه‌های مفهومی مشخص شده و ارتباط آنها بوده است. هوشنگی و پرگو (۱۳۸۸) به استعاره‌های مفهومی قرآنی پرداخته و حوزه‌های مفهومی بدن، حیوانات، گیاهان، ابزارها و ماشین‌ها را از مهم‌ترین حوزه‌های مفهومی دانسته‌اند. در این پژوهش حوزه مفهومی «گیاهان» به عنوان یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مبدأ در آیاتی از سوره‌های مختلف قرآن برای درک حوزه‌های انتزاعی از قبیل مرگ، زندگی، ایمان، صدقه، منت، رحمت و بخشایش، بررسی شده است. همچنین همبستگی متقابل حوزه‌های مفهومی بنیادینی همچون «گیاه»، «خاک»، «آب» و «باد» بررسی شده و به همبستگی آب با سبزی و خرمی طبیعت، ارتباط ریشه گیاه و پی‌بنا با استحکام و انطباق استقامت و حیات نباتی با طرح‌واره تصویری راه اشاره شده است.

بررسی ارتباط جهت‌های مکانی «بالا» و «پایین» با رویدادها و احساس‌های مثبت و منفی یا ارتباط حالت‌های «نشسته» و «ایستاده» بدن با مفهوم‌های ضعف و جهاد نیز در پژوهش‌های شناختی قرآن به چشم می‌خورد. کرد زعفرانلو کامبوزیا و حاجیان (۱۳۸۹) استعاره‌های جهتی قرآن را با رویکرد شناختی بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که استعاره با جهت مکانی «بالا»، معنا

یا احساس مثبت و استعاره با مفهوم «پایین»، رویداد یا احساس منفی را القا می‌کنند. این جهت‌ها، اعتباری و نسبی هستند و آنچه که نسبت به دیگری بالا است، ممکن است در مقایسه با چیز دیگری در مرتبه پایین‌تری قرار داشته باشد. در پژوهش دیگری نیز پورا براهیم، گل‌فام، آفاگل‌زاده، کرد زعفرانلو کامبوزیا (۱۳۹۱) مفهوم‌سازی استعاری مفاهیم «ایستادن» و «نشستن» در قرآن و مفاهیم انتزاعی قرآنی مطرح‌شده در قالب مفهوم‌های ملموس «ایستادن» و «نشستن» را تحلیل کرده‌اند. بررسی این مفاهیم نشان داده که برای مفهوم‌سازی ضعف و کوتاهی در امور دینی مانند جهاد از مفهوم نشستن و برای مفاهیم ایستادگی، ثبات، تسلط، نماز و جهاد کردن از ایستادن استفاده شده است. در نهایت به این موضوع پرداخته شده که هرچند ساختار استعاره‌ها جهانی است اما نوع الگوبرداری‌ها، پیش‌زمینه‌های فرهنگی و حوزه‌های مقصد را محتوای فرهنگی آن استعاره مشخص می‌کند.

در برخی پژوهش‌های قرآنی، یک موضوع انتزاعی خاص مانند «معاد»، «توحید» یا «رحمت الهی» انتخاب شده و شیوه بیان این مفاهیم انتزاعی دینی با استفاده از استعاره، بررسی شده است. در پژوهش امینی، کامیابی گل و نوروزی (۱۳۹۴) مفهوم «معاد» در استعاره‌های سوره نبا قرآن بررسی شده است. در تحلیل آیات این سوره از قرآن ۹ عبارت استعاری تحلیل شده‌اند. این استعاره‌ها به عنوان ابزار ساماندهی مفاهیم در چارچوب مفاهیم دیگر برای شکل‌گیری ساختار مفهومی کلان بررسی شده‌اند. در این استعاره‌ها برای درک مفاهیم انتزاعی معاد و آخرت از مفاهیم ملموس‌تری مانند حساب، داوری و خبر استفاده شده است. در نمونه‌ای دیگر، پژوهش حجازی (۱۳۹۵)، مفهوم انتزاعی «توحید» در کلان استعاره «خداوند نور است» و زیراستعاره‌های آن در آیه ۳۵ سوره نور از دیدگاه شناختی بررسی شده است و این استعاره‌ها به عنوان راهی برای درک حوزه انتزاعی توحید و خداشناسی تحلیل شده‌اند. در اینجا این استعاره و استعاره‌های وابسته به آن برای درک آسان‌تر ویژگی‌های ذات خداوند استفاده شده‌اند. حسینی و قائمی‌نیا (۱۳۹۵) نیز به استعاره مفهومی «رحمت الهی» در قرآن از دیدگاه شناختی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که برای درک مفهوم انتزاعی رحمت خداوند، از استعاره‌ای ساختاری، شامل دیگر استعاره‌ها، استفاده شده است. این مفهوم انتزاعی را با کمک مفاهیم ملموس‌تر مانند گوهر با ارزش، مکان وسیع، باران و طعام، بهتر می‌توان درک کرد.

تنها اثری که از نظر سوره انتخاب شده به پژوهش حاضر شباهت دارد اثر صباّحی گراغانی، حیدریان شهری و محمّدحسین زاده (۱۳۹۵) است. در این پژوهش با تأکید بر تفاوت رویکرد سنتی و شناختی به استعاره، استعاره‌های سوره بقره بررسی شده‌اند و به حوزه‌های سفر، تجارت، ظرف، مکان، شیء، دیدن، بذر پاشیدن اشاره شده که برای درک حوزه‌های زندگی، دل، زمان، دانستن و انفاق از آنها استفاده شده است. در بخش نتیجه‌گیری به این موضوع پرداخته شده که رویکرد کلاسیک به استعاره قادر به نشان دادن ارتباط آیات نبوده است و اینکه استعاره‌های مفهومی می‌توانند مبنایی برای شکل‌گیری استعاره‌های دیگر باشند. در این پژوهش تعداد استعاره‌های یافت‌شده ذکر نشده است و برخی استعاره‌های موجود، استخراج نشده‌اند. در بخش تحلیل، حوزه‌های مبدأ و مقصد هر استعاره مشخص نشده است. از طرفی نگارنده‌ها به دنبال مفاهیم صرفاً تربیتی نبوده‌اند و حوزه‌های بررسی شده همگی مرتبط به یک موضوع نیستند. بنابراین انجام پژوهشی که با استخراج همه استعاره‌های تربیتی این سوره و تحلیل هر استعاره با ذکر حوزه مبدأ و مقصد، به الگوی ارائه مفاهیم انتزاعی تربیتی قرآن دست یابد، به نظر ضروری می‌رسید. تفاوت دیگر پژوهش حاضر با این اثر و سایر آثار بررسی شده در این بخش در این است که در اینجا استعاره به عنوان ابزار تفکر در رویکرد شناختی برای نمایاندن رابطه زبان و تفکر و چگونگی تبلور اندیشه‌های تربیتی در زبان، بررسی و تحلیل شده است. همچنین سوره‌ها و آیات انتخابی و در نتیجه استعاره‌ها و حوزه‌های بررسی شده در پژوهش حاضر با دیگر آثار متفاوت است.

۲-۲. پژوهشگران غیرایرانی

در بخش پژوهشگران غیرایرانی که به استعاره‌های قرآنی پرداخته‌اند، به دو اثر اشاره می‌شود. در پژوهش شرف‌الدین^۱ (۲۰۱۴) استعاره‌هایی در آیات پراکنده از سراسر قرآن بررسی شده است. این اثر با تحلیل استعاره‌های قرآنی با رویکرد شناختی، به بررسی نقش استعاره در خلق تصاویر ذهنی و تأثیر آن بر درک و ترجمه آیات قرآن پرداخته و نشان داده است که با استفاده از مفاهیم ملموسی چون «کشاورزی، کاشتن بذر و پاییز»، می‌توان مفاهیم انتزاعی تری مثل «نتیجه اعمال، ایمان آوردن و ناامیدی و بی‌ثمری» را به تصویر کشید. در این پژوهش آیاتی از سراسر قرآن انتخاب شده‌اند ولی

¹ Sharaf Eldin, A. A. T.

معیار و دلیل انتخاب آیات ذکر نشده است.

در پژوهش دیگری عبدالل^۱ و کایگاما^۲ (۲۰۱۵) به کاربرد استعاره و چگونگی استفاده از حوزه‌های ملموس برای انتقال معانی انتزاعی در سورهٔ حدید قرآن پرداخته‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که مفاهیم «روشنایی، تاریکی، قرض دادن، سبز شدن دانه و پژمرده شدن گیاه»، به ترتیب برای صورت‌بندی مفاهیم «ایمان، بی‌ایمانی، کار خیر، دوباره زنده شدن و زندگی دنیوی»، به کار رفته‌اند و به این صورت این مفاهیم انتزاعی با کمک استعاره قابل درک شده‌اند.

پژوهش‌های یادشده در این بخش نیز مانند اثر حاضر، از نگاه شناختی به استعاره‌های قرآنی پرداخته‌اند اما سوره و آیات انتخابی متفاوت هستند. دیگر اینکه در هر دو پژوهش یادشده، برخلاف پژوهش حاضر، تعداد استعاره‌های هر آیه، تعداد نهایی استعاره‌های استخراج‌شده و حوزه‌های مبدأ و مقصد هر استعاره به صورت مجزا، مشخص نیست. همچنین در تحقیق حاضر ابتدا به رابطهٔ زبان و تفکر پرداخته شده تا بتوان با استفاده از رویکرد و ابزار مناسب نشان دادن این رابطه، الگوی مناسب برای درک، آموزش و اندیشیدن به مفاهیم تربیتی قرآن را، به دست آورد.

۳. چارچوب نظری

در این پژوهش ابتدا رابطهٔ زبان و تفکر از دیدگاه‌های نسبیت زبان، زبان اندیشه و رویکرد شناختی از نظر گذراننده می‌شود و در ادامه، رویکرد شناختی به عنوان مناسب‌ترین ابزار نشان دادن این رابطه انتخاب می‌گردد. استعاره به عنوان ابزار تفکر و درک در این پژوهش برای تحلیل الگوی ارائهٔ مفاهیم تربیتی قرآن در سورهٔ بقره به کار گرفته می‌شود. بنابراین در این بخش پس از بررسی رابطهٔ زبان و تفکر، به رویکرد شناختی، استعاره، مفهوم تربیت و استعاره‌های تربیتی قرآن پرداخته می‌شود.

۳-۱. زبان

فالك^۳ (۱۹۷۸: ۳) زبان را نظامی می‌داند بی‌نهایت پیچیده، بسیار انتزاعی و زایا که بین معانی و

¹ Abdelaal, N. M.

² Kaigama, A.

³ Falk, S. J.

اصوات ارتباط برقرار می‌کند. یول^۱ (۱۹۹۶: ۲۵-۲۰) ویژگی‌هایی برای زبان انسان ذکر می‌کند که در سیستم ارتباطی حیوانات دیده نشده و یا بسیار محدودتر از انسان است. از جمله «جابجایی»^۲، یعنی صحبت کردن درباره‌ی حال، آینده، گذشته، آنچه که در محل حاضر نیست یا اصلاً وجود فیزیکی ندارد و صحبت کردن درباره‌ی موجودات خیالی و افسانه‌ای. آزمایش‌ها بر روی زنبورها نشان داده که این قابلیت در آنها وجود دارد که آدرس منبع غذایی یافت‌شده را به هم‌نوعانشان با رقص نشان دهند ولی تنها در مورد مسیرهای شناخته شده و مستقیم. در واقع این توانایی آنقدر محدود است که با اندکی پیچیدگی گمراه خواهند شد. ویژگی دیگر «قراردادی بودن»^۳ است و اینکه هیچ ارتباط و شباهتی بین واژه‌های زبان انسان و معانی آنها نیست و ارتباط آنها قراردادی است (البته بجز نام‌آواها^۴ مانند خش‌خش، میومیو و...)، درحالی‌که این شباهت در نظام‌های ارتباطی حیوانات دیده می‌شود. همچنین نظام ارتباطی انسان دارای «خلاقیت»^۵ در خلق ساخت‌های زبانی جدیدی است که قبلاً شنیده نشده‌اند ولی آزمایش‌هایی که بر روی حیوانات انجام شده این انعطاف‌پذیری را نشان نداده‌اند. همچنین زبان انسان دارای دو سطح فیزیکی و معنایی است که «دوگانگی»^۶ خوانده می‌شود. ویژگی «تجزیه‌پذیری»^۷ یا قابل تجزیه بودن به کوچک‌ترین عناصر تمایز دهنده نیز از دیگر ویژگی‌های زبان بشر محسوب می‌شود. تلاش‌ها برای آموزش زبان انسان به حیوانات از جمله شامپانزه‌ها در نهایت نشان دادند که حتی شامپانزه‌ها هم به طور کامل نمی‌توانند ساخت‌های زبانی پیچیده انسانی را بیاموزند و پیشرفت آنها در سطح محدودی متوقف می‌گردد. نجفی (۱۳۷۳: ۱۳) زبان را مهم‌ترین وسیله ارتباطی، مهم‌ترین نهاد اجتماعی و ثمره زندگی اجتماعی بشر می‌داند که با استفاده از نظام نشانه‌های زبانی، برقراری ارتباط را ممکن می‌سازد. بنابراین مراد از زبان در این پژوهش نظام ارتباطی مختص انسان است.

¹ Yule, G.

² displacement

³ arbitrariness

⁴ onomatopoeia

⁵ creativity

⁶ duality

⁷ discreteness

۲-۳. نسبیت زبان

در بحث رابطه بین زبان و تفکر، باطنی (۱۳۸۵: ۷۷-۷۶) به نظرات سپیر^۱ و وورف^۲ درباره نسبیت زبانی می‌پردازد و اینکه نظرات آنها درست مقابل نظرات کسانی قرار می‌گیرد که زبان را وسیله انتقال افکار و مفاهیم انسان می‌دانند. وورف معتقد است که ساخت و مقولات زبان روی اندیشه و جهان-بینی انسان تأثیر می‌گذارند. حق‌شناس (۱۳۸۸: ۱۳۱) در توضیح آرای سپیر و وورف، به این نکته اشاره می‌کند که طبق این فرضیه، زبان تعیین‌کننده ساختارهای مفهومی است و جهان تا حد زیادی بر اساس عادت‌های زبانی جامعه ساخته شده است. راسخ‌مهند و همکاران (۱۳۹۳: ۳۲۵) توضیح می‌دهند که سپیر و وورف با در نظر گرفتن روابط متقابل زبان و فرهنگ، این اعتقاد را ارائه کردند که زبان، تصورات انسان از جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سپیر ابتدا به ارتباط زبان و فرهنگ پرداخت و سپس شاگردش وورف این فرضیه را به دستور و واژگان تعمیم داد. فرضیه سپیر-وورف در صورت قوی خود یعنی جبر زبانی^۳ می‌گوید که زبان تعیین‌کننده نحوه تفکر ماست و در صورت متعادل خود که نسبیت زبانی است می‌گوید که زبان بومی بر افکار و ادراک سخنگویان آن تأثیرگذار است. صفوی (۱۳۸۳: ۸۵) نیز در توصیف رابطه بین مفاهیم واژگانی و اندیشیدن به نگرش نسبیت زبانی اشاره می‌کند و اینکه مفاهیم واژگانی در نوع اندیشیدن ما تأثیرگذارند و قیدهایی را بر اندیشه ما تحمیل می‌کنند.

باطنی (۱۳۸۵: ۷۷) توضیح می‌دهد که این فرضیه گرچه هنوز از یادها نرفته، ولی از آزمایش‌ها سربلند بیرون نیامده و حتی تجربه هم آن را تأیید نمی‌کند. مثلاً زبان عربی و زبان فرانسه بین مذکر و مؤنث فرق می‌گذارند ولی فرانسویان و اعراب به خاطر این تمایز مشترک زبانی، نگرش مشابهی نسبت به زن ندارند، چون این مسئله‌ای فرهنگی است. یا مثلاً سخنگویان زبان ناواهو در یکی از قبایل سرخ‌پوستی آمریکا که فقط سه واژه برای رنگ‌های اصلی دارند هم می‌توانند ادراکی از رنگ‌های مختلف داشته باشند. باطنی معتقد است که گرچه نمی‌توان این فرضیه را کاملاً مردود دانست، صحت آن را هم کاملاً نمی‌توان تأیید کرد. حق‌شناس (۱۳۸۹: ۱۳۳) در رد نظرات سپیر و وورف به این نکته اشاره می‌کند که این فرضیه در معرض خطر ابطال‌ناپذیری است و منطقی‌تر آن

¹ Sapir, E.

² Whorf, B. L.

³ linguistic determinism

است که فرض کنیم زبان تا حدودی، مقولات فرهنگی و اجتماعی را در خود منعکس می‌سازد، نه برعکس، چون زبان برای بیان اندیشه در اختیار ماست، چه اندیشه فردی باشد و چه به دست جامعه قالب‌ریزی شده باشد. راسخ‌مهند و همکاران (۱۳۹۳: ۳۲۵) توضیح می‌دهند که جبر زبانی یا همان تعیین شدن نحوه تفکر به وسیله زبان، که صورت قوی فرضیه سپیر-وورف است، در این سطح قابل دفاع نیست، چرا که ترجمه بین زبان‌ها و تفکر بدون زبان ممکن هستند، مثلاً یک هنرمند با انگشتان خود تفکر خود را انتقال می‌دهد. صفوی (۱۳۸۳: ۸۷) نیز در نقد این فرضیه توضیح می‌دهد که قبول آن، یعنی ما از منظر زبان خود به جهان و نیز زبان‌های دیگر می‌نگریم و اگر اینطور است با وجود تلاش مترجم برای ترجمه یک متن، خواننده‌ای که جهان را از منظر زبان خود می‌بیند، هرگز نخواهد توانست به جهان دیگری راه یابد. این دیدگاه افراطی به وسیله علم شناخت^۱ نیز مورد تردید قرار گرفته است. در رویکرد شناختی دانش زبانی مستقل از اندیشیدن و شناخت نیست، زبان بخشی از شناخت عام آدمی است، زبان مانند فکر دارای نظام و ساختار است و ساختار نظام‌مند زبان منعکس‌کننده ساختار فکر ماست، یعنی زبان الگوی اندیشه را منعکس می‌کند. ایوانز^۲ و گرین^۳ (۲۰۰۶: ۱۰۲) معتقدند که نسخه قوی این رویکرد رد شده ولی نسخه ضعیف آن را نمی‌توان کاملاً رد کرد. همچنین سعید^۴ (۲۰۰۹: ۴۳) توضیح می‌دهد که نسبت زبانی توسط بسیاری از محققین علوم شناختی رد شده است و بعد در ادامه بحث نسبت زبان، به این نکته اشاره می‌کند که انسان‌ها به زبان‌های مختلف حرف می‌زنند و این در مقابل جهانی بودن ساختار شناختی و پردازش ذهنی آنهاست و راه بحث را به زبان اندیشه باز می‌کند.

۳-۳. زبان اندیشه

اکنون که به معرفی و نقد نسبت‌گرایی پرداختیم، به نگرش دیگری به نام زبان اندیشه می‌پردازیم. صفوی (۱۳۸۳: ۸۹-۸۶) در توصیف رابطه بین مفاهیم واژگانی و اندیشیدن به دو نگرش افراطی و مخالف یکدیگر اشاره می‌کند. نگرش اول یعنی نسبت زبانی که می‌گوید مفاهیم واژگانی در نوع

¹ cognitive science

² Evans, V.

³ Green, M.

⁴ Saeed, J. I.

اندیشیدن ما تأثیرگذار هستند و جهان ما تا حدی پرداخته زبان ماست. در مقابل، نگرش دیگر یعنی زبان اندیشه می‌گوید که اندیشه و زبان اگرچه در پیوند باهم هستند ولی به دو سطح بازنمودی متفاوت تعلق دارند. در این نگرش این مسائل مطرح می‌شود که اندیشه بدون تفکر نیز وجود دارد، تفکر تصویری بدون زبان هم وجود دارد، آنچه در ذهن ماست به طور کامل از طریق زبان قابل بیان نیست و وقتی حرف می‌زنیم مطالب را از زبان اندیشه به زبانی مثل فارسی ترجمه می‌کنیم و این زبان اندیشه جهانی است. سعید (۲۰۰۹: ۴۴) توضیح می‌دهد که فودور (۱۹۷۵، ۱۹۸۷) و استیلینگز^۱ و همکارانش (۱۹۹۵) حامی این رویکرد بودند. گوینده افکارش را متراکم می‌کند و اغلب به جای بیان صریح منظورش، آن را تلویحاً بیان می‌کند، در حالیکه شنونده نسخه خود را از منظور دریافت می‌کند. در واقع گوینده هنگام صحبت افکارش را به زبان اندیشه ترجمه می‌کند. پس زبان اندیشه تقریباً در همه افراد یکی و در واقع جهانی است. این عقیده درست در مقابل نسبت زبان قرار می‌گیرد. انسان‌ها ساختار شناختی و پردازش ذهنی یکسانی دارند ولی به زبان‌های مختلف حرف می‌زنند. در نقد این نگرش صفوی (۱۳۸۳: ۸۹) این سؤال‌ها را مطرح می‌کند که اگر زاده شدن زبان اندیشه با انسان پذیرفته شود، چطور می‌توان نبودن استدلال و تفکر در نوزاد انسان را توجیه کرد؟ و اگر زبان اندیشه به طور کامل از جهان خارج کسب می‌شود، چطور می‌توان گفت که نظامی جهانی است؟

۳-۴. رویکرد شناختی

راسخ‌مهند (۱۳۹۳: ۹) توضیح می‌دهد که زبان‌شناسی شناختی^۲ و در واقع معنی‌شناسی شناختی^۳، سعی در توصیف و تبیین ساختار و نقش زبان را دارد و تأکید آن بر این نکته است که زبان الگوی اندیشه را منعکس می‌کند. زبان با واحدهای نمادین، به رمزگذاری افکار ما می‌پردازد و می‌تواند ویژگی‌های بنیادی و اساسی ذهن انسان را منعکس کند. در رویکرد شناختی دانش زبانی مستقل از اندیشه و شناخت نیست، بلکه بخشی از شناخت عام انسان است. زبان مانند فکر دارای نظام و ساختار است و ساختار نظام‌مند زبان، منعکس‌کننده ساختار فکر ماست، یعنی زبان الگوی اندیشه

¹ Stillings, N.

² cognitive linguistics

³ cognitive semantics

را منعکس می‌کند. صفوی (۱۳۸۳: ۳۶۳) نیز توضیح می‌دهد که در رویکرد شناختی به معنی، این بحث مطرح است که تجربه انسان از ارتباط متقابل در جامعه، باعث برانگیخته شدن ساخت‌های مفهومی بنیادینی می‌شود که امکان درک و کاربرد زبان را ممکن می‌سازند. این ساخت‌ها، الگوهای شناختی انتزاعی تری را از طریق فرایندهایی مانند استعاره و مجاز تشکیل می‌دهند. انسان تجربیاتش از جهان خارج را در ذهن خود به صورت مفاهیمی جمع می‌کند و از ساخت‌هایی مانند استعاره یا طرح‌واره^۱، برای اندیشیدن درباره موضوعات انتزاعی تر استفاده می‌کند. معنی‌شناسان شناختی استعاره را ابزاری برای تشخیص چگونگی اندیشیدن می‌دانند. مثلاً در بحث طرح‌واره‌های ذهنی حجم، ما از طریق تجربه قرار گرفتن در فضایی مثل «اتاق»، برای مفهومی انتزاعی مثل «فکر» هم از «توی چیزی بودن» استفاده می‌کنیم: «امروز تو فکری ها!» و در بحث استعاره مثلاً در استعاره «زندگی سفر است»، چون ساختار مفهومی سفر برای ما قابل درک‌تر است از آن برای فکر کردن و درک مفهوم زندگی که انتزاعی تر است، استفاده می‌کنیم. بنابراین رویکرد شناختی رابطه زبان و تفکر را اینگونه می‌بیند که دانش زبان، بخشی از شناخت عام انسان است و زبان ساختار اندیشه را منعکس می‌کند. ابزارهای زبانی مانند استعاره نیز ابزار اندیشه هستند.

با نگاهی به مطالعات و نظریات یاد شده و نقدها و ایرادات وارد شده به آنها، می‌توان در نظر گرفت که رویکردهایی مانند نسبت زبان و زبان اندیشه که صفوی (۱۳۸۳: ۸۹-۸۶) آنها را رویکردهایی افراطی می‌خواند، کمتر قابل اتکا هستند و رویکرد شناختی که امروزه پژوهشگران شاخه‌های مختلف علم زبان‌شناسی آن را بیش از رویکردهای دیگر پاسخگوی پرسش‌های پژوهشی خود یافته‌اند، در بحث رابطه زبان و تفکر نیز راه‌های بیشتری برای پژوهش مقابل ما قرار می‌دهد و کاستی‌ها و ابهام‌های نگرش‌های دیگر را نیز ندارد. بنابراین در اینجا با این نگاه که ساختار زبان، منعکس‌کننده ساختار فکر است، یکی از مهم‌ترین ساختارهای زبانی از نظر معنی‌شناسان شناختی یعنی استعاره را انتخاب و از نگاه شناختی تعریف می‌کنیم و سپس کاربرد آن را در ارائه مفاهیم تربیتی سوره بقره قرآن کریم بررسی می‌کنیم.

¹ schema

۳-۵. استعاره در دیدگاه شناختی

در فن بیان تشبیه در قالب جمله‌ای تشبیهی مطرح می‌شود. مثلاً در جمله «هوشنگ مثل کنه سمج است»، «هوشنگ» مشبه، «مثل» ادات تشبیه، «کنه» مشبه به، و «سمج بودن» وجه شبه است. اگر همه اجزای یک جمله تشبیهی بجز مشبه به را حذف کنیم، به استعاره می‌رسیم: «کنه را هم برای مهمانی دعوت کرده ای؟». در اینجا واژه «کنه» ضمن حفظ معنای اولیه خود معنای دیگری هم پیدا کرده که برحسب نوعی تشابه انتخاب شده است (صفوی، ۱۳۸۳: ۲۶۴). در دیدگاه سنتی، استعاره را موضوعی مربوط به زبان می‌دانستند و به رابطه آن با تفکر توجهی نکرده بودند (راسخ‌مهند، ۱۳۹۳: ۵۷).

اصطلاح معنی‌شناسی شناختی اولین بار از سوی لیکاف مطرح شد و نگرشی را معرفی کرد که در آن دانش زبانی مستقل از اندیشیدن و شناخت نیست. به اعتقاد معنی‌شناسان شناختی، انسان تجربیاتش از جهان خارج را در ذهن خود به صورت مفاهیمی ذخیره می‌کند. این مفاهیم باید بتوانند در ایجاد ارتباط به کار روند، بنابراین باید قراردادی باشند (صفوی، ۱۳۸۳: ۳۶۳). از جمله اصول بنیادین معنی‌شناسی شناختی می‌توان به جسمی‌شدن ساختار مفهومی اشاره کرد یعنی بر اساس رابطه جسم با محیط اطراف، هر شخصی به ادراکی می‌رسد. دیگر اینکه در معنی‌شناسی شناختی، درک و بررسی معنی، دائرةالمعارفی است، یعنی حاصل شناخت ما از جهان خارج است. از دیگر مسائل بنیادین مطرح‌شده در معنی‌شناسی شناختی می‌توان به استعاره و مجاز نیز اشاره کرد که با استفاده از بحث حوزه‌های معنایی توصیف می‌شوند. در واقع استعاره ارتباط دو حوزه معنایی است که در آن یک حوزه معنایی بر اساس حوزه معنایی دیگر بیان می‌شود، برخلاف مجاز که فقط در یک حوزه معنایی بررسی می‌شود، مثلاً درجمله دیشب حافظ خواندم ارتباط بین نویسنده و اثر در یک حوزه است (راسخ‌مهند، ۱۳۹۳: ۵۶-۷۲). معنی‌شناسان شناختی در بحث تفکر و زبان نقش مهمی برای استعاره قائل می‌شوند و معتقدند که گویشوران با به کار بردن استعاره قصد افزودن ارزش ادبی به زبانشان را ندارند بلکه با کمک استعاره مفاهیم را درک می‌کنند (سعید، ۲۰۰۹: ۳۵۸). در واقع استعاره عبارت است از درک یک حوزه مفهومی در قالب حوزه مفهومی دیگر، با الگوی «الف، ب است»، مانند: «عشق سفر است». در استعاره‌های مفهومی یک حوزه مبدأ با صورت‌بندی شفاف‌تر، عینی‌تر و مادی‌تر و یک حوزه مقصد با توصیف دشوارتر و نسبتاً انتزاعی‌تر وجود دارند.

پس در استعاره مفهومی «عشق سفر است»، عشق حوزه مقصد و سفر حوزه مبدأ است (کوچش^۱، ۲۰۱۰: ۱۵). قائمی‌نیا (۱۳۹۰: ۶۸) استعاره را در دیدگاه شناختی نوعی فعالیت تعبیری و ذهنی و مرتبط با اندیشه انسان می‌داند که صرفاً زبانی نیست، بلکه ویژگی خود تفکر است و راسخ‌مهند (۱۳۹۳: ۵۶) نیز استعاره را حاصل الگویی شناختی و بخشی از تفکر می‌داند. استعاره نه فقط در عرصه زبان، بلکه در حوزه اندیشه و عمل نیز وجود دارد. استعاره فقط ابزاری زبانی برای بیان اندیشه نیست، بلکه راهی برای اندیشیدن درباره چیزها و منعکس‌کننده ساختار ذهن است. باقری (۱۳۹۵: ۶۵) نیز در بحث تربیت اسلامی و تمثیل در تربیت، تمثیل را صورتی از اندیشیدن و شکلی از سخن گفتن می‌داند که ویژگی‌های چیزی شناخته‌شده را به چیزی ناشناخته نسبت می‌دهد تا به این وسیله بهتر شناخته شود و در نظام تربیتی برای ایجاد انس ذهنی به کمک پدیده‌های محسوس، می‌توان از این فرایند برای ایجاد تصویری ماندگار در ذهن و ایجاد تغییر ذهنی، روانی و اجتماعی در افراد استفاده کرد. آنچه که در اینجا تمثیل به عنوان «صورتی از اندیشیدن» خوانده شده به بحث استعاره نزدیک است.

۳-۶. تربیت در اسلام

باقری (۱۳۹۵: ۶۴) فراهم آوردن موجبات فزونی و پرورش و از سوی تهذیب یعنی زدودن خصوصیات ناپسند اخلاقی را در بحث تربیت اسلامی مطرح می‌کند و به این نکته می‌پردازد که مفاهیم «ربیت» و «ربانیت» از ریشه «ر ب ب» برای نشان دادن ویژگی‌های تربیت اسلامی مناسب‌ترند ولی به دلیل استعمال بیشتر باز از همان واژه تربیت در توضیح تربیت اسلامی استفاده می‌شود و منظور همان ربوبی شدن و ربوبی ساختن انسان است. از این منظر، تربیت در اسلام، یعنی شناختن و انتخاب خداوند به عنوان یگانه رب انسان و جهان و تن دادن به ربوبیت او و تن زدودن از ربوبیت غیر. التزام انسان به معیارها و ضوابط ربوبی، او را به سمت تزکیه و تطهیر خویش می‌برد.

تربیت، پرورش دادن یا فراهم کردن زمینه رشد و شکوفایی استعدادها و فعال کردن قوای نهفته یک موجود و درباره انسان فراهم کردن زمینه برای شکوفایی استعدادهای بالقوه در مسیر مطلوب

¹ Kovacs, Z.

است. تربیت دینی مجموعه اعمال هدفمند، برای آموزش گزاره‌های یک دین به افراد دیگر است، به شکلی که آن افراد به صورت عملی و نظری به آن آموزه‌ها پایبند شوند. تربیت اسلامی، تربیتی الهی است و مبتنی بر چیزی که خالق انسان برای او قرار داده است، تربیتی همه‌جانبه و دارای شمولیت است که به تمام ابعاد وجودی انسان توجه کرده، تربیتی معتدل و متوازن در ابعاد متعدد وجودی انسان است، تربیتی عمل‌گراست که به حوزه رفتار وارد می‌شود و تربیتی مستمر است، برای تمام عمر و برای همگان (چناری و کلباسیان، ۱۳۹۴: ۱۲۴).

۴. ارائه و تحلیل داده‌ها

۴-۱. استعاره‌های تربیتی در قرآن

پس از انتخاب رویکرد شناختی به رابطه زبان و تفکر و انتخاب استعاره به عنوان راهی برای اندیشیدن و ابزاری برای بیان اندیشه، با بررسی استعاره‌های تربیتی در قرآن و چگونگی بیان شدن مفاهیم تربیتی، می‌توان دید که این الگوهای ملموس چگونه کمک می‌کنند تا مفاهیم تربیتی انتزاعی، در ذهن انسان نقش بندد و اینکه این استعاره‌ها چگونه الگویی برای اندیشیدن و درک این مفاهیم می‌گردند. با این رویکرد که استعاره به عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های معنی‌شناسی شناختی، ابزاری برای اندیشیدن و الگویی برای انعکاس ساختار اندیشه است و اینکه می‌توان آن را با الگوی «الف، ب است» نشان داد، در اینجا استعاره‌هایی با مفاهیم تربیتی در سوره بقره از قرآن کریم را بررسی می‌کنیم.

استعاره‌های آیات ۱۳، ۱۴، ۱۶ و ۱۷ سوره بقره:

- بقره، آیه ۱۳: وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمَنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ [و چون به آنان گفته شود ایمان آورید چنان که مردم ایمان آورده اند، (در دل خود) گویند: آیا ما هم مانند سفیهان ایمان بیاوریم: آگاه باشید که آنان خود سفیهند ولی نمی‌دانند.]
- بقره، آیه ۱۴: وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنُوا وَإِذَا خَلَوْا إِلَى شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُونَ [و چون با کسانی که ایمان آورده‌اند دیدار کنند، گویند: ما ایمان آوردیم

و هنگامی که با شیطان‌های خویش خلوت کنند، گویند: بی‌تردید ما با شما مییم، جز این نیست که ما آنها را مسخره می‌کنیم.]

• بقره، آیه ۱۶: **أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ** [آنها کسانی هستند که گمراهی را به بهای هدایت خریدند، پس نه تجارتشان سود داد و نه از ره یافتگان بودند.]

• بقره، آیه ۱۷: **مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ** [داستان آنها، داستان کسی است که آتشی را برافروزد، پس همین که آتش اطراف او را روشن ساخت، خداوند (به خاموش کردن آتش) نورشان را از بین ببرد و آنها را در میان تاریکی‌ها که هیچ نبینند رها سازد.]

در استعاره‌های این آیات، مفاهیمی مانند ایمان، گمراهی، ایمان نیاوردن و تظاهر به ایمان که انتزاعی هستند، با درآمدن به ساختار استعاری «الف، ب است»، از طریق حوزه‌های مبدأ، حوزه‌های ملموس‌تر، مانند خریدن، تجارت، روشنایی، تاریکی و نابینایی و آتشی که زود خاموش می‌شود، درک می‌شوند. این استعاره‌ها در جدول (۱) نشان داده می‌شوند.

جدول (۱): استعاره‌های آیات ۱۳، ۱۴، ۱۶ و ۱۷

ردیف	حوزه مقصد	حوزه مبدأ	استعاره
۱	گمراهی	تجارت بدون سود	خریدن گمراهی، تجارت بدون سود است.
۲	ایمان	آتش روشنایی بخش	ایمان، آتش روشنایی بخش است.
۳	ایمان نیاوردن	تاریکی	ایمان نیاوردن، تاریکی و نابینایی است.
۴	تظاهر به ایمان	آتش با نور از بین رونده	تظاهر به ایمان، آتشی است که نورش از بین می‌رود.

- بقره، آیه ۲۲: الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ [همان (خدایی) که زمین را برای شما فرشی (گسترده) و آسمان را بنایی (افراشته) قرار داد و از آسمان آبی فرود آورد و بدان از میوه‌ها رزقی برای شما بیرون آورد پس برای خدا همتیانی قرار ندهید در حالی که خود می‌دانید.]

در استعاره‌های این آیه، برای درک دو نعمت الهی یعنی «زمین زیر پا» و «آسمان بالای سر» و آسایش و روزی حاصل از آنها برای انسان، از مفاهیم ملموس «فرش» و «بنای افراشته» استفاده شده است.

جدول (۲): استعاره‌های آیه ۲۲

ردیف	حوزه مقصد	حوزه مبدأ	استعاره
۵	زمین	فرش برای شما	زمین، برای شما فرش است.
۶	آسمان	بنای افراشته برای شما	آسمان برای شما بنایی افراشته است.

- بقره، آیه ۱۷۱: وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءَ وَنِدَاءَ صُمُّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ [مثل (دعوت‌کننده) کافران، مثال کسی است که به حیوانی بانگ می‌زند که جز بانگ زدن مبهمی را نمی‌شنود. کر و گنگ و کورند، از این رو نمی‌اندیشند.]

در آیه ۱۷۱ برای درک و توضیح مفهوم کفر و کافر بودن، از مفاهیم ملموس‌تری مثل حیوان بودن، درک نکردن و کر و گنگ و کور بودن استفاده شده است.

جدول (۳): استعاره‌های آیه ۱۷۱

ردیف	حوزه مقصد	حوزه مبدأ	استعاره
۷	کافر	حیوان	کافر، حیوانی بدون درک است.
۸	کافر	کر	کافر، کر است.
۹	کافر	گنگ	کافر، گنگ است.
۱۰	کافر	کور	کافر، کور است

- بقره، آیه ۲۲۳: نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَتَىٰ شَيْئًا وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُّلاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ [زنان شما کشتزار شمايند، پس از هرسو و هر وقت که خواستيد به کشتزار خود درآييد و با اين عمل ثوابی برای خودتان پيش فرستيد و از خدا پروا کنید و بدانيد که او را ملاقات خواهيد کرد و مؤمنان را مژده بده.]

در این استعاره، «کشتزار» با ویژگی حاصلخیزی و بارورپذیری به ما کمک می‌کند که ارزش «زن» برای مردش را دریابیم. حوزه معنایی ملموس زمین، کشت و خاک، در حقیقت الگویی شده است برای درک مفهوم انتزاعی تر نقش و ارزش زن برای مرد.

جدول (۴): استعاره آیه ۲۲۳

ردیف	حوزه مقصد	حوزه مبدأ	استعاره
۱۱	زن	کشتزار	زن، کشتزار است.

- بقره، آیه ۲۵۶: لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ [در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه به خوبی آشکار شده است پس هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد به یقین به دستاویزی استوار که آن را گسستن نیست چنگ زده است

و خداوند شنوای داناست.]

در این آیه بیان و درک مفاهیم انتزاعی «کفر به طاغوت» و «ایمان به خدا» و تأثیر آن بر زندگی انسان، از حوزه مبدأ ملموس تر یعنی دستاویز، ریسمان یا آنچه می توان به آن چنگ انداخت، استفاده شده است.

جدول (۵): استعاره های آیه ۲۵۶

ردیف	حوزه مقصد	حوزه مبدأ	استعاره
۱۲	کفر به طاغوت	دستاویز استوار و ناگسستی	کفر ورزیدن به طاغوت، دستاویزی استوار و ناگسستی است.
۱۳	ایمان به خدا	دستاویز استوار و ناگسستی	ایمان به خدا، دستاویزی استوار و ناگسستی است.

• بقره، آیه ۲۶۱: **مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِئَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ** [مثل انفاقات کسانی که اموالشان را در راه خدا انفاق می کنند، مثل دانه ای است که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه ای صد دانه باشد و خداوند برای هر که بخواهد، چند برابر می کند. و خداوند دارای وسعت است و داناست.]

در استعاره این آیه، برای توضیح و کمک به درک اهمیت انفاق و اینکه آثار معنوی و مثبت آن چندین و چند برابر خود آن است، از مفهوم ملموس دانه ای که خوشه ها و دانه های بسیار می دهد استفاده شده است.

جدول (۶): استعاره های آیه ۲۶۱

ردیف	حوزه مقصد	حوزه مبدأ	استعاره
۱۴	انفاق	دانه ای که از آن هفت خوشه بروید و از هر خوشه صد دانه	انفاق، دانه است.

• بقره، آیه ۲۶۴: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالَّذِي كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ [ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را با منت نهادن و آزردن باطل نکنید. مانند کسی که مالش را به ریا و خودنمایی به مردم انفاق می‌کند و به خدا و روز واپسین ایمان ندارد که مثل او مثل سنگ سخت و صافی ست که خاکی بر آن نشسته، پس باران تند و درشتی بر آن برسد و آن را سنگی صاف (و بدون خاک و گیاه) واگذارد (صدقه او نذیر آن خاک است و ریاکاران) به چیزی از آنچه کسب کرده‌اند دست نمی‌یابند و خداوند مردم کافر را هدایت نمی‌کند.]

در استعاره‌های آیه فوق، برای ملموس‌تر شدن یک پیام تربیتی «صدقه دادن» و شیوه مناسب برای انجام آن، «بدون ریا و منت»، از حوزه مقصد و مفاهیم خاک، خاک سطحی غیرقابل کشت و باران تند استفاده شده است.

جدول (۷): استعاره‌های آیه ۲۶۴

ردیف	حوزه مقصد	حوزه مبدأ	استعاره
۱۵	صدقه	خاک	صدقه، خاک است.
۱۶	صدقه با منت	خاک سطحی	صدقه با منت، خاک سطحی و غیر قابل کشت است.
۱۷	ریا	تندباد نابودکننده	ریا، باران تندی که خاک را می‌شوید است.
۱۸	منت	تندباد نابودکننده	منت، باران تندی که خاک را می‌شوید است.

• بقره، آیه ۲۶۵: وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ [و مثل (انفاقات) کسانی که اموالشان را برای طلب خشنودی خدا و استوارسازی روحشان انفاق می‌کنند، مثل باغی است برجایی مرتفع که باران تندی بدان رسیده پس میوه خود را دو چندان داده باشد، پس اگر باران تندی نرسیده باران نرمی رسیده (و بی‌گیاه نمانده است) و خداوند به آنچه عمل می‌کنید بینا است.]

در استعاره‌های این آیه از مفاهیم ملموس «باغ» و «میوه‌های باغ» برای بیان و درک بهتر مفهوم «انفاق» و «انفاق برای خشنودی خدا» استفاده شده است تا این مفهوم تربیتی به تصویر کشیده شود که اگر انفاق برای خشنودی خدا باشد چقدر باارزش‌تر و پربرکت‌تر خواهد بود.

جدول (۸): استعاره‌های آیه ۲۶۵

ردیف	حوزه مقصد	حوزه مبدأ	استعاره
۱۹	انفاق	باغ	انفاق، باغ است.
۲۰	نیت	باران محصول- آور	نیت خشنودی خدا، بارانی است که میوه‌های باغ را دوچندان می‌کند.

• بقره، ۲۶۶: **أَيُّودُ أَحَدِكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَةٌ ضَعْفَاءٌ فَأَصَابَهَا إِعْصَابٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ** [آیا یکی از شما دوست دارد که او را باغی باشد از درختان خرما و انگور که از زیر درختان آن نهر جاری گردد، و او را در آن باغ هرگونه میوه‌ای باشد و درحالی‌که پیری به او رسیده و فرزندی خردسال و ناتوان دارد پس گردبادی محتوی آتش سوزان به آن برسد و یکسره بسوزد؟ اینگونه خداوند آیات خود را برای شما روشن می‌کند، شاید بیندیشید.]

در این آیه برای درک بهتر این مفهوم تربیتی که «ریا» ارزش اعمال نیک انسان (در اینجا انفاق) را از بین می‌برد، از مفهوم ملموس‌تر «گردباد نابودکننده» استفاده شده و این نکته ذکر شده که ریا مانند گردبادی محتوی آتش سوزان، اعمال نیک ما را می‌سوزاند و از بین می‌برد.

جدول (۹): استعاره‌های آیه ۲۶۶

ردیف	حوزه مقصد	حوزه مبدأ	استعاره
۲۱	ریا	گردباد نابودکننده	ریا، گردبادی محتوی آتش سوزان است که باغ را می‌سوزاند.

در مجموع در همه استعاره‌های تحلیل‌شده، مفاهیم تربیتی از قبیل «ایمان»، «دوری از گمراهی، کفر و طاغوت»، «انفاق و صدقه برای خشنودی خدا و بدون ریا و منت»، «ارزش و احترام زن برای مرد» و «درک نعمت‌های خداوند» که مفاهیمی انتزاعی هستند، با کمک حوزه‌های ملموس‌تر مانند «تجارت»، «آتش، روشنایی و تاریکی»، «حیوان فاقد درک»، «کشاورزی و باغداری» و «باران، گردباد و تندباد»، بیان شده‌اند.

۵. نتیجه‌گیری

در این مقاله ابتدا رابطه زبان و تفکر در سه رویکرد نسبیّت، زبان اندیشه و شناختی بررسی و نقد شد. در نهایت رویکرد شناختی و بطور مشخص معنی‌شناسی شناختی برای تبیین رابطه بین زبان و اندیشه انتخاب شد که زبان را الگوی اندیشه و دارای ساختاری مانند اندیشه انسان و بخشی از شناخت عام بشر می‌داند و معتقد است ساختارهایی مانند استعاره در حقیقت الگویی برای اندیشه و ویژگی تفکر هستند (راسخ‌مهند ۱۳۹۳: ۵۶). برای بررسی چگونگی انعکاس اندیشه‌های تربیتی در زبان و یافتن الگوی درک و بیان مفاهیم تربیتی در قرآن، استعاره‌هایی از سوره بقره که دارای مفاهیم تربیتی هستند، استخراج و تحلیل شدند. ۲۱ استعاره تربیتی، با ارائه حوزه‌های مبدأ و مقصد و پیام تربیتی آنها تحلیل شدند. حوزه‌های مقصد و در واقع مفاهیم انتزاعی تربیتی «گمراهی»، «ایمان»، «ایمان نیاوردن»، «تظاهر به ایمان»، «کفر»، «ارزش زن»، «انفاق»، «صدقه»، «صدقه بدون منت»، «ریا»، «صدقه بدون ریا»، «نیت خشنودی خدا»، «نعمت‌های الهی» و «دوری از طاغوت» بودند و حوزه‌های ملموس‌تر «تجارت بدون سود»، «آتش، از بین رفتن نور، روشنایی و تاریکی»، «حیوان گنگ»، «کشتزار»، «دانه، خاک و خاک سطحی»، «باغ و باران محصول آور»، «تندباد و گردباد نابودکننده»، «فرش و بنای افراشته برای انسان» و «دست‌آویز محکم» بودند. در جدول (۱۰) مجموعه استعاره‌های تربیتی سوره بقره ارائه شده‌اند.

جدول (۱۰): استعاره‌های تربیتی سوره بقره

ردیف	حوزه مقصد	حوزه مبدأ	استعاره
۱	گمراهی	تجارت بدون سود	خریدن گمراهی، تجارت بدون سود است.
۲	ایمان	آتش روشنایی بخش	ایمان، آتش روشنایی بخش است.
۳	ایمان نیاوردن	تاریکی	ایمان نیاوردن، تاریکی و نابینایی است.
۴	تظاهر به ایمان	آتش با نور از بین رونده	تظاهر به ایمان، آتشی ست که نورش از بین می‌رود.
۵	زمین	فرش برای شما	زمین، برای شما فرش است.
۶	آسمان	بنای افزاشته برای شما	آسمان برای شما بنایی افزاشته است.
۷	کافر	حیوان	کافر، حیوانی بدون درک است.
۸	کافر	کر	کافر، کر است.
۹	کافر	گنگ	کافر، گنگ است.
۱۰	کافر	کور	کافر، کور است
۱۱	زن	کشتزار	زن، کشتزار است
۱۲	کفر به طاغوت	دستاویز استوار و ناگسستی	کفر ورزیدن به طاغوت، دستاویزی استوار و ناگسستی است.
۱۳	ایمان به خدا	دستاویز استوار و ناگسستی	ایمان به خدا، دستاویزی استوار و ناگسستی است.
۱۴	انفاق	دانه	انفاق، دانه است.
۱۵	صدقه	خاک	صدقه، خاک است.
۱۶	صدقه با منت	خاک سطحی	صدقه با منت، خاک سطحی و غیرقابل کشت است.
۱۷	ریا	تندباد نابودکننده	ریا، باران تندی که خاک را می‌شوید است.
۱۸	منت	تندباد نابودکننده	منت، باران تندی که خاک را می‌شوید است.
۱۹	انفاق	باغ	انفاق، باغ است.
۲۰	نیت	باران محصول‌آور	نیت خشنودی خدا، بارانی است که میوه‌های باغ را دو چندان می‌کند.
۲۱	ریا	گردباد نابودکننده	ریا، گردبادی محتوی آتش سوزان است که باغ را می‌سوزاند.

تحلیل این استعاره‌ها نشان داد که چگونه مفاهیم تربیتی انتزاعی یا مفاهیمی که کمتر ملموس هستند (حوزه‌های مقصد)، با انتقال به حوزه‌های معنایی ملموس‌تر و مرتبط به زندگی بشر (حوزه‌های مبدأ)، با الگوی استعاری «الف، ب است» بهتر ارائه و درک می‌گردند. «ایمان به خدا»، پرکاربردترین مفهوم تربیتی در حوزه‌های مقصد بوده است. الگوی استعاره‌های تربیتی قرآن می‌تواند الگویی باشد برای ارائه مفاهیم انتزاعی اخلاقی و تربیتی. مطالعه و تحلیل استعاره به عنوان الگوی منعکس‌کننده و ابزار اندیشه و ویژگی تفکر، در متن قرآن می‌تواند برای مؤلفان، مدرسان و پژوهشگران عرصه تعلیم و تربیت و به ویژه تربیت اسلامی، مفید باشد.

منابع

- امینی، حیدرعلی، کامیابی گل، عطیه و نوروزی، علی. (۱۳۹۴). بررسی استعاره‌های مفهومی ساختاری در سوره نبا در قرآن کریم. دومین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم، مؤسسه سفیران فرهنگی مبین، ۴۱-۵۴.
- باطنی، محمدرضا. (۱۳۸۵). *بیرامون زبان و زبان‌شناسی*. تهران: انتشارات آگاه.
- باقری، خسرو. (۱۳۹۵). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، جلد ۱، تهران: مدرسه.
- پورابراهیم، شیرین، گلغام، ارسلان، آفاگل‌زاده، فردوس و کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه. (۱۳۸۷). بررسی زبان‌شناختی استعاره جهتی بالا/پایین در زبان قرآن: رویکرد معنی‌شناسی شناختی. *مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، شماره ۱۲، ۵۵-۸۱.
- پورابراهیم، شیرین، گلغام، ارسلان، آفاگل‌زاده، فردوس و کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه. (۱۳۹۱). مفهوم‌سازی‌های استعاری مبتنی بر مفاهیم «ایستادن» و «نشستن» در زبان قرآن. *مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی*، سال ۴، شماره ۲، ۸۳-۹۲.
- چامسکی، نوام. (۱۳۸۸). *زبان و اندیشه*. ترجمه کورش صفوی. تهران: انتشارات هرمس.
- چناری، مهین و کرباسیان، فاطمه. (۱۳۹۴). جایگاه زبان سکوت در تربیت دینی. *دوفصلنامه علمی ترویجی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، سال ۳، شماره ۵، ۱۲۱-۱۴۶.
- حجازی، بهجت السادات. (۱۳۹۵). استعاره مفهومی آیه نور در قرآن. *فنون ادبی (علمی-*

- پژوهشی)، سال هشتم، شماره ۹۱، پیاپی ۵، ۱۶-۸۳.
- حسینی، سیده مطهره و قائمی‌نیا، علیرضا. (۱۳۹۵). استعاره مفهومی رحمت الهی در قرآن کریم. *ذهن، فصلنامه علمی-پژوهشی معرفت‌شناسی و حوزه‌های مرتبط*. دوره ۱۸، شماره ۶۹، ۲۷-۵۲.
- راسخ مهند، محمد. (۱۳۹۳). *درآمدی بر معناشناسی شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم، ویراست ۲: با اضافات و اصلاحات*. تهران: انتشارات سمت.
- راسخ مهند، محمد، علیزاده صحرايي، مجتبی، ایزدی فر، راحله. (۱۳۹۳). *فرهنگ توصیفی مکاتب زبان‌شناسی*. تهران: انتشارات علمی.
- زلتن، کوچش. (۱۳۹۳). *مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره*. ترجمه شیرین پورابراهیم. تهران: انتشارات سمت.
- سورن، پیتر آ. ام. (۱۳۸۹). *مکاتب زبان‌شناسی نوین در غرب*. ترجمه علی محمد حق‌شناس. تهران: انتشارات سمت.
- صباحی گراغانی، حمید، حیدریان شهری، احمدرضا و محمدحسین‌زاده، عبدالرضا (۱۳۹۵). بررسی استعاره مفهومی در سوره بقره: رویکرد زبان‌شناسی شناختی. *نشریه ادب و زبان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان*. سال ۱۹، شماره ۳۹، ۵۷-۱۰۷.
- صفوی، کورش. (۱۳۷۹). *درآمدی بر معنی‌شناسی*، تهران: حوزه هنری، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- قائمی‌نیا، علیرضا. (۱۳۹۰). *معناشناسی قرآن*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قرآن کریم. ترجمه آیت الله مشکینی (۱۳۸۶). مرکز چاپ و نشر قرآن کریم.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه و حاجیان، خدیجه. (۱۳۸۹). استعاره‌های جهتی قرآن با رویکرد شناختی. *فصلنامه علمی-پژوهشی نقد ادبی*، سال ۳، شماره ۹، ۱۱۵-۱۳۹.
- کوچش، زلتن. (۱۳۹۳). *مقدمه‌ای بر استعاره*. ترجمه شیرین پورابراهیم. تهران: انتشارات سمت.
- نجفی، ابوالحسن. (۱۳۷۳). *مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی*. تهران: انتشارات نیلوفر.

- هوشنگی، حسین و سیفی پَرگو، محمود. (۱۳۸۸). استعاره‌های مفهومی در قرآن از منظر زبان‌شناسی شناختی. *پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم*، سال ۱، شماره ۳، ۹-۳۴.
- Abdelaal, N. M., & Kaigama, A. (2015). Investigating metaphor used in Surah Al-Hadid to convey abstract meaning. *Australian Journal of Basic and Applied Sciences*, 9(11), 24-27.
- Bagheri Noaparast, K. (2016). Iran's implicit philosophy of education. *Educational Philosophy and Theory*. DOI: 10.1080/00131857.2016.1247684.
- Crystal, D. (1987). *The Cambridge encyclopedia of language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Evans, V., & Green, M. (2006). *Cognitive linguistics: An introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Falk, J. S. (1978). *Linguistics and language: A survey of basic concepts and implications*. New York: John Wiley & Sons.
- Finch, G. (2000). *Linguistic terms and concepts*. Macmillan Press LTD.
- Fromkin, V., & Rodman, R. (1988). *An introduction to language* (4th ed.). Los Angeles: University of California.
- Higgs, p., & Waghid, Y. (2017). *A reader in philosophy of education*. Juta and company (Pty) Ltd.
- Lobner, S. (2002). *Understanding semantics*. London: Arnold publishers.
- Richards, J. C., Platt, J., Platt, H. (1992). *Longman dictionary of language teaching & applied linguistics*. Longman Group UK Limited.
- Saeed, J. I. (2009). *Semantics* (3rd ed.). Oxford: Blackwell Publishers.
- Sharaf Eldin, A. A. (2014). A cognitive metaphorical analysis of selected verses in the Holy Quran. *International Journal of English Linguistics*, 4(6), 16-21.
- Yule, G. (1996). *The study of language* (2nd ed.). Cambridge: Cambridge University Press.